

حق التالیف شاعر از سهم روزمره‌گی اش داده می‌شود

انتشار سری کتاب‌های شاعران با کدام هدف؟!

اکرم پرتوی شایان

که با خواندن آن، چیزی بر دانش تو افزون شود یا ردیله‌ای از تو پیراسته گردد. افزودن حکمت، دانش، معرفت، هنر و... تعریفی است که در ذات مفهوم کتاب نهفته است. کتابی که چیزی نیاموزاند، اساساً کتاب نیست و اگر تکرار مکررات باشد، بیش‌تر در حوزه سرقات دیده می‌شود و بی‌ارزش تلقی می‌گردد.

اما داستان «کتاب هنری»، داستان بلندتری است. اهل هنر، به‌خصوص شاعران و ارجمندان شعر، جز شعرخوانی در سوق‌ها و حلقات شعری، اگر کتاب نبود، چگونه می‌توانستند هنر خود را به امروز ما برسانند. علم یک عالم شیمی را، ممکن بود بدون کتابش، بعدها از محصول به جا مانده‌ی مصنوع او، با تجزیه و تحلیل به دست آورد و به دانش نظری آن رسید، اما اگر کتاب شعر یک شاعر نبود چه؟! امروز ویدئو و کاست و نوار و سی‌دی و مانند آن که صدا را ضبط کند و نگه دارد هست، اما در گذشته چه؟!

بدین‌سان، کتاب یک شاعر، می‌تواند تجربه‌های عظیم یا بهتر بگوییم خالص تجربه او از هنر و حکمت‌اش باشد. شاعر صاحب دیوان یا همان اهل قلم، مثل اثرش ارجمند بود و وقتی او نبود اثرش ارجمندتر می‌شد؛ آن‌هم در گذر زمانه‌ای که به تندی سپری می‌شود و فقط صورت مکتوب، از آن باقی می‌ماند.

گاهی این تلقی که وقتی از فردی یک کتاب منتشر می‌شود، او به عنوان یک «صاحب‌اثر» شناخته می‌شود، تلقی قشنگی است. بسیاری از اهل قلم، همین‌گونه شناخته شده‌اند. کسانی آمده‌اند اثری نشر داده‌اند، اثرشان مورد توجه واقع شده است و «صاحب‌قلم» یا «اهل قلم» شده‌اند. در سرزمینی که تا حدود یک‌صد سال پیش، همه معارف نظری و مفهومی از راه نوشتن منتقل می‌شد، حتماً می‌بایست نشر کتاب، ارج و قربی بیش‌تر از جوامعی داشته باشد که پیش‌تر از ما به قافله موج الکترونیک «مک لوهان» و «تافلر» پیوسته‌اند. جان ایرانی، با کتاب عجیب است و روح انسان ایرانی را کتاب صیقل می‌دهد و تنزیه می‌کند. داستان کتاب در سرزمین ما، نه داستان تازه‌ای است که چون نوآمد است آن را شناسیم و نه داستان غریبی مثل افسانه جن و پری که در آن تردید روا داریم. کتاب با گوشت و خون و پوست ما پیوند خورده است و این مسئله‌ای امروزی نیست. از نخستین کتاب‌های نگارش یافته به فارسی، تا اخیرترین‌شان، همیشه کتاب هم‌نشینی صمیمی برای جان ایرانی بوده است و کتاب‌خوانی و کتاب‌دانی (امور مربوط به آماده‌سازی کتاب، کتاب‌شناسی و...) در زمره‌ی هنرهای جلیل

تعریف کتاب هم البته، همان «مرجع دانش یا دانایی» است؛ لوحی



شماره ۶۶
تایستان ۱۳۸۸



□
چند سالی است در حوزه‌ی فرهنگ کشور، برای تدارک مجموعه‌ای کامل یا نسبتاً کامل که بتواند حکم مرجع برای شعر، نثر و هنر دوره انقلاب را داشته باشد، انتشار کتاب‌های شاعران و نویسندگان در دستور کار نهادهای فرهنگی است. دو نمونه نسبتاً پرشمار این تدارک مجموعه‌ی مرجع، کتاب «نیستان» و «تکا» است. اگر اندیشه اولیه این کار بازکاوی شود، با فکر بکر و خوبی طرف هستیم که در کوشش آینه‌ای از تلاش یک یا چند نسل از شاعران و اهل قلم این سرزمین را با کمک بودجه دولتی و عمومی، تدارک کند و پیش چشم منتقدان و صاحب‌نظران بنهد تا در

این آینه بنگرند و غث و ثمین کنند. اما نکته منحرف‌کننده ماجرا، آن جاست که هیچ کنترل‌ری بر انجام این کار صورت نمی‌گیرد. کتاب‌های چاپ شده‌ی قبلی شاعران، به صورت شخصی یا به صورت دولتی، با کمی تغییر، مجدداً به زیور طبع آراسته می‌شود و با اسم جدید روانه بازار می‌گردد تا ما روزمره‌گی خود را در یک مجموعه جدید هم باز بتابانیم. نه یادداشتی بر این کتاب‌ها ضمیمه می‌شود، نه نقدی با آنها همراه می‌شود، نه حتی معرفی شاعر در ابتدا یا انتهای آنها - به تفصیل - می‌آید و نه روش‌مندی خاصی دیده می‌شود. همین که شاعری، شعرش را ارایه کند و معیارهای اولیه نشر را داشته باشد، مدتی بعد به صورت یک مجموعه یا کتاب بیرون می‌آید. حتی برخی شاعران، اشعارشان را جمع می‌کنند و چند دفتر را در یک دفتر می‌آورند و نوعی «دیوان» برای خودشان تدارک می‌کنند.

به دیده انصاف بنگریم؛ بین مجموعه‌ای که کتاب «نیستان» منتشر می‌کرد و مجموعه «تکا» چه اندازه فاصله است؟! چرا باید این اندازه تکرار در کار ما دیده شود و کارهای موازی که مصداق روزمره بودن و «باری به هر جهت این هم کاری است» هستند، صورت بگیرند؟ چرا نباید طرحی و راهی در انداخته شود که شاعران ما بکوشند کار متفاوتی از نشر کتاب



شعر - مثلاً انتشار مقاله‌های تحقیقی در مورد شعر- را پی بگیرند تا خود نیز در پرتو آن چیزی بیاموزند؟ تولید «اهل قلم» آن هم به صورت انبوه و رعایت نکردن روش‌مندی این گونه کار، چه فایده‌ای جز انتشار صدها هزار جلد کتاب دارد که کسی هم بعد از نشر متعرض آنها نمی‌شود و حتی حق‌التألیف شاعر را هم از سهم روزمره‌گی‌اش - یعنی کتاب خودش - می‌دهند؟!

علاوه بر این، چرا این مجموعه فقط «تولید» می‌شود، «پایش» و «نقد» نمی‌شود، «بررسی» نمی‌شود و کسی نمی‌پرسد که این چند صد نفر اهل قلم، شروع و پایانشان چه بوده و چه خواهد بود؟ این روال به کجا خواهد رسید و این مجموعه‌ها، جز آرشبو مراکز فرهنگی، به درد کجا خواهد خورد؟! شعر را در جامعه رسوخ خواهد داد یا روزمره‌گی را دامن خواهد زد؟!

اصلاً چه فرقی بین این مجموعه و مجموعه‌های شخصی شاعران هست؟ و چه فرقی بین این کار و کار ناشران بازاری که دیوان‌های شاعران یا کتاب‌های هزاربار چاپ‌شده را در لفاف و جلد و جعبه و قطع جدید عرضه می‌کنند و به جای نشر کتاب (و بالطبع معرفت)، «کتاب‌آرایی» می‌کنند؟ به نظر می‌رسد با این روندها، باید در یکی از این دو مفهوم تردید کرد: یا مفهوم «اهل قلم» و یا مفهوم «کتاب»!!